

پرده نقره‌ای

«انجمن منتقدان فیلم آنلاین» برگزید

بهترین‌های سینما در سال ۲۰۱۸

«انجمن منتقدان فیلم آنلاین» چهارشنبه ۲۶ دسامبر فهرست نامزدهای جوایز امسال خود را اعلام کرد. در نامزدهای جوایز امسال فیلم «سوگلی» به کارگردانی یورگوس لانتیموس با نامزدی در ۸ رشته پیش‌ستاز نامزدها بود، از بخش‌های مهمی که «سوگلی» در آن‌ها نامزد شد می‌توان به سه‌شاخه بازیگری زن (اولیویا کلمن، اما استون و ریچل وایس) و نیز بهترین کارگردانی و بهترین فیلمنامه اشاره کرد.

«انجمن منتقدان فیلم آنلاین» از سال ۱۹۹۷ کار خود را آغاز کرده‌است. این انجمن متشکل از خبرنگاران، تاریخ‌نگاران و پژوهشگران عرصه فیلم است که نظرات خود را روی اینترنت منتشر می‌کنند.

دوم ژانویه ۲۰۱۹ برندگان بیست‌ودومین دوره

این انجمن اعلام خواهد شد.

فهرست کامل نامزدهای جوایز «انجمن منتقدان فیلم آنلاین» سال ۲۰۱۸ به شرح زیر است:

نامزدهای بهترین فیلم: «تابودی»، «بلک کلنزمن»، «کلاس هشتم»، «سوگلی»، «ولین اصلاح‌شده»، «موروثی»، «گر خیابان بیل زبان داشت»، «رما»، «ستاره‌ای متولد می‌شود»، «سوسپیریا»، «توهر گزواقعالین جانبودی»

نامزدهای بهترین فیلم انیمیشن بلند: «شفقت‌انگیزان»، «جزیره سگ‌ها»، «میرای»، «الف اینترنت را خراب می‌کند» و «مرد عنکبوتی: به درون دنیای عنکبوتی»



نامزدهای بهترین کارگردان: آلفونسو کوارون «رما»، بری جنکینز «گر خیابان بیل زبان داشت»، یورگوس لانتیموس «سوگلی»، اسپایک لی «بلک کلنزمن»، لین رمسزی «توهر گز واقعا این جانبودی»

نامزدهای بهترین بازیگر نقش اول مرد: کریستین بیل «معاون»، بردلی کوپر «ستاره‌ای متولد می‌شود»، ایتن هاوک «ولین اصلاح‌شده»، خواکین فینیکس «توهر گز واقعالین جانبودی»، جان دیوید واشینگتن «بلک کلنزمن»

نامزدهای بهترین بازیگر نقش اول زن: بالیتزا آپاریچیو «رما»، تونی کولت «موروثی»، اولیویا کلمن «سوگلی»، رچیناهال «زدختران حمایت کنید»، لیدی گاگا «ستاره‌ای متولد می‌شود» نامزدهای بهترین بازیگر نقش مکمل مرد: ماهر شالالاعلی «کتاب سبز»، آدام درایور «بلک کلنزمن»، ریچارد ای گرانت «هرگز می‌توانی مرا ببخشی؟»، مایکل بی جوردن «پلنگ سیاه»، استیویون «سوختن»

نامزدهای بهترین بازیگر نقش مکمل زن: الیزابت دبیکي «بیهوشا»، رچینا کینگ «گر خیابان بیل زبان داشت»، توماس مک کنزی «هیچ ردی باقی نگذار»، اما استون «سوگلی»، ریچل وایس «سوگلی»

نامزدهای بهترین فیلمنامه اصلی: «کلاس هشتم»، «سوگلی»، «ولین اصلاح‌شده»، «رما»، «بیشخیدم را حرم شدم»

نامزدهای بهترین فیلمنامه اقتباسی: «بلک کلنزمن»، «هرگز می‌توانی مرا ببخشی؟»، «گر خیابان بیل زبان داشت»، «هیچ ردی باقی نگذار»، «بیهوشا»

نامزدهای بهترین تدوین: «سوگلی»، «تختستین انسان»، «هاموریت: غیرممکن – فال‌اوت»، «رما»، «بیهوشا»

نامزدهای بهترین فیلمبرداری: «جنگ‌سرد»، «سوگلی»، «تختستین انسان»، «گر خیابان بیل زبان داشت»، «رما»

نامزدهای بهترین موسیقی متن: «پلنگ سیاه»، «تختستین انسان»، «گر خیابان بیل زبان داشت»، «جزیره سگ‌ها»، «سوسپیریا» نامزدهای بهترین فیلم اول: آری آستر «موروثی»، بو رنهام «کلاس هشتم»، بردلی کوپر «ستاره‌ای متولد می‌شود»، کارلوس لوپز استرادا «نقطه کور»، بوتس رایلی «بیشخید مزاحم‌شدم»

نامزدهای بهترین فیلم غیرانگلیسی زبان: «سوختن»، «جنگ‌سرد»، «رما»، «دزدان فروشگاه»، «ساما»

نامزدهای بهترین فیلم مستند: «فری سولو»، «هراقب فاصله بودن»، «طهره روها»، «سه غریبه همسان»، «توهمسایه‌من نیستی؟»

«تاق تاریک» تلنگری که نمی‌خورد؛

کودک آزاری یا بازی با مضمون

فرهاد، به‌عنوان شوهر چندسالی از همسر خود کوچک‌تر است. این نکته، تماشاگر آگاه را راجع می‌دهد به «عقده مادر» و این که فرهاد به‌عنوان یک مرد آسیب‌دیده، برای ماندن در حاشیه‌امن زندگی‌اش، در ازدواج هم‌سراغ‌زنی می‌رود که از خودش بزرگ‌تر است و می‌تواند نقش مادر را در او پیدا کند و ادامه‌دهد. فرهاد خود در کودکی مورد تعرض واقع شده، هرچند به این مسئله در آخرهای فیلم اعتراف می‌کند، اما از همان بر خوردهای اول، می‌فهمیم علت تمام حساسیت‌های خاص فرهاد در این زمینه برای پنهان ماندن ماجرا، چیست.



می‌کنند؛ به این امید که در این خانه بزرگ و در این بخش از شهر، به آرامش و آسودگی برسند. البته برای اجاره کردن چنین خانه‌ای، آن‌ها به شدت تحت فشار مالی قرار می‌گیرند، اما هر دو با کار کردن -تقریباً هر کاری- تلاش می‌کنند از پس این مشکل بربیایند. فرهاد را روی قاچاق می‌فروشد و هاله که مترجم است، در یک عطر فروشی کار می‌کند. اما پریشانی به‌زودی راه این خانه را پیدا می‌کند. امیر، پسر این زوج در بیابان اطراف مجتمع مسکونی گم می‌شود و توسط یکی از همسایه‌ها پیدا می‌شود در حالی که خودش را خیس کرده‌است. ابتدا والدین او مسئله را زیاد جدی نمی‌گیرند، شاید از سگ‌های ولگرد بیابان ترسیده. هر چند شب‌ادرازی و اضطراب بچه مدام‌بیشتر می‌شود، اما پدر و مادر درگیر مشکلات خانه‌وسررسیدچک‌های‌شان هستند. در نهایت امیر با یک سوال، پدر را وارد ورطه‌ای می‌کند که باید از آن سر در بیاورد. امیر در حمام از پدرش می‌پرسد که دیدن بدن کسی، عیب است؟ و پدر که به سوال مشکوک می‌شود می‌پرسد آیا کسی بدن او را دیده است و امیر اعتراف می‌کند که بله. اما هر چه فرهاد اصرار می‌کند چه کسی؟ امیر پاسخ نمی‌دهد.

ابتدا فرهاد به همسایه‌ها و به خصوص

آپارتمانی‌نوساز در بالای شهر، نقل مکان

یادداشت

نگاهی به فیلم «مارموز»

خرقه تزویر؛ دستاویزی برای تحقق اهداف

فائزه ناصح، دکترای روانشناسی عمومی

فیلم «مارموز» با برخورداری از درون‌مایه سیاسی، اجتماعی و انتقادی در ژانری کمیک داستان شخصی به نام «قدرت‌الله صمدی» می‌باشد. «قدرت» همانطور که از نامش هویداست، عاشق رسیدن به منصب و قدرت است؛ شخصی از طبقه متوسط جامعه و عشق موسیقی که از دوران کودکی همانند هزاران کودک که آمال و آرزوهای مشاغل مختلفی چون خلبان، پزشک، مهندس و... را در سر می‌پروراند، او هم از این قافله عقب نمانده و از همان ایام رویای نمایندگی در مجلس را در خیال خود می‌پروراند. به‌گونه‌ای که برای تحقق بخشیدن سودای نمایندگی مجلس و نایل شدن به رویای بچگی خویش از انجام هیچ فعالیت ریاکارانه تزویر و تظاهر فروگذاری نمی‌کند.

قدرت‌الله صمدی متعلق به یکی از تندروهای سیاسی حزب قمرز می‌باشد که از یک طرف با تزویر و ریا در صدد نیل به آرزوی نماینده مجلس شدن می‌باشد و از سویی دیگر به‌نوعی همچون درمادهای، اسیر گذشته خود است. بنابر اتفاقاتی که در خلال داستان رخ می‌دهد به یکباره «قدرت» به شخصیتی سیاسی باعنوان ناجی مردم و با شعار وحدت و آشتی ملی تبدیل می‌شود و به این ترتیب بی‌آنکه ذره‌ای دانش و علم داشته باشد گرفتار گرداب بازی‌های سیاست شده و سرنوشت خویش را تغییر می‌دهد.

هسته اصلی و جوهر شخصیت کاراکتر «قدرت» بر پایه تزویر و ریا بنا شده است. قدرت‌الله صمدی نماد بسیاری از مسئولان و دست‌اندرکاران امور دولتی و سیاسی است که در خفا و پنهان معاصی فراوانی انجام می‌دهند ولی در انظار و ملاعام خود را فردی پاکدامن و پاکدل و مدافع حقوق ملت جلوه می‌دهند.

به جوانانی که با دختر یکی از همسایه‌ها دوست‌اند و با اورفت‌وآمد دارند مشکوک می‌شود و آن‌ها را تحت نظر می‌گیرد. اما در نهایت به این نتیجه می‌رسد که کار آن‌ها نیست، هر چند فرهاد فقط به پسران این گروه شک می‌کند. در مرحله بعد، فرهاد به برادرزاده هاله مشکوک می‌شود؛ پسر نو جوانی که پس از متار که والدینش با مادر بزرگش زندگی می‌کند و هاله گاهی امیر را به دست آن‌ها می‌سپارد.

تمام تلاش فرهاد بر این است که هاله از این ماجرابویی‌نبرد، اما در نهایت، هاله متوجه داستان می‌شود. و حالاً نوبت اوست که با دلواپسی‌های مادرانه، بی این ماجرا را بگیرد. هر چند فرهاد اصرار دارد ماجرا به‌صورت فاش و آشکار دنبال نشود چون مسئله حیثیتی است و پای شرف خانواده در میان است، اما هاله که خود را روشنفکر تر از فرهاد می‌داند مصر است که هر طور شده مجرم را پیدا کند!

این آسیب حیثیتی است!

برخورد فرهاد با ماجرای پسرش به گونه‌ای است که توهم و تصور تجاوز و تعرض را در ذهن تماشاگر تقویت می‌کند. این که حتماً کودک مورد تجاوز جنسی واقع شده و فرهاد، به دلایل حیثیتی هم می‌خواهد ماجرا از دید دیگران پنهان بماند و هم می‌خواهد متجاوز را پیدا کند. برای همین تا او آخر

در این زمینه برای پنهان ماندن ماجرا چیست: او نمی‌خواهد خودش افشا شود. هر چند از تفاع ترسی‌اش، نحوه همسرگزینی‌اش، ترس بی‌موردش از سگ‌ها و شیوه برخوردش با دختر جوان همسایه، همه نشان می‌دهند که فرهاد خود فرد مشکل‌داری است و در این میان اوست که باید درمان شود. اما همین فرهاد آسیب‌دیده، که مشکل خود را در این سال‌ها پنهان کرده، از پسرش هم می‌خواهد این اتفاق را حتی از مادرش پنهان کند.

فرهاد شب‌ها با چشم‌بندی می‌خوابد. ابتدا شاید به این دلیل که خانه هنوز پرده ندارد و نور بیرون شب‌ها مانع خواب او می‌شود. اما این چشم‌بند دقیقاً راجع دارد به این که فرهاد نمی‌خواهد واقعیت‌ها را ببیند و با آن‌ها مواجه‌ای درست و تسلی بخش داشته باشد. او اضطراب را مثل سگ‌های مدام در خود حمل می‌کند و حالا داران را به پسرش انتقال می‌دهد.

اما مسئله دیدن بچه برای هاله

بیش از آن که حیثیتی باشد، بدل به نوعی کین خواهی و انتقام‌جویی زنانه می‌شود؛ او در نهایت با فشار از پسرش اعتراف می‌گیرد که بدنش را پگاه، دختر بی‌بندوبار همسایه دیده‌است.

نویسنده و کارگردان از پگاه شخصیتی بی‌بندوبار و جسور ارائه می‌دهد؛ دختری که از ۱۷ سالگی هر کاری که دلش خواسته کرده و از قضا امیر هم شاهد یکی از بی‌بندوباری‌های او با دوست پسرش بوده و وقتی امیر از پگاه پرسیده چه کار می‌کردند؟ پگاه می‌گوید بازی می‌کردند؛ امیر این‌ها را برای فرهاد و هاله توضیح می‌دهد و اضافه می‌کند: از همان بازی‌هایی که در تبلت حامد برادر زاده هاله – آدم‌ها با هم می‌کنند.

نگاهی که نویسنده / کارگردان به هاله-مادر اهمسر – دارد، درست‌از همان زاویه‌ای است که به پگاه و مادرش و در نهایت همه زنان دار؛ این موجودات عصبی، خودخواه، خودمحور و حسودند. حتی اگر تحصیل کرده باشند، حتی اگر مسلط به یک زبان خارجی و مترجم کتاب باشند، باز هم به هر حال «زن» اند و این یعنی هاله هم نمی‌تواند و نباید بتواند به عنوان یک زن، با ماجرای پسرش بر خورد درست و منطقی داشته باشد و حالا که از شوهرش بزرگ‌تر است پس می‌تواند نقش مادر را برای او بازی کند به او تشر بزند، تحقیر و بازخواستش بکند، در حالی که احتمالاً زانی که از شوهران خود کوچک‌ترند، این کار را نمی‌کنند!

هاله زنی عصبی است، مشکلات

«تاق تاریک» شاید اشاره به درون هر کدام از مادران که هراس‌ها و رنج‌ها و آسیب‌های مان را پنهان کرده ایم و از افشای آن‌ها می‌ترسیم، زیرا باز خورد اطرافیان و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم، به گونه‌ای است که اول خودمان در مظان اتهام قرار می‌گیریم

زندگی را تاب نمی‌آورد، وظایف زنانه و مادری‌اش را به درستی انجام نمی‌دهد مثلاً کم‌غذای می‌زد. با هر ناسازگاری بچه، او را در اتاقی که هنوز بر قش وصل نشده و اسمش را گذاشته اند اتاق تاریک، زندانی می‌کند. در واقع هاله، کودک را مدام از خود می‌رانند و برای همین ارتباط امیر با پدرش خیلی بهتر است؛ این فرهاد است که پسرش را شب‌ها در آغوش می‌گیرد و برای اوقصه می‌گوید. رابطه مادر- فرزند ی امیر و هاله صرفاً در نوعی مالکیت خلاصه می‌شود، مالکیتی که در رابطه این زن با شوهرش هم دیده می‌شود.

تمثیل خوبی که خوب کار نمی‌کند!

«تساق تاریک» ابژه خوبی است برای دردها و مصایبی که هر انسانی در پستوهای ذهن خود پنهان کرده است و توان مواجهه با آن‌ها را ندارد، اما این ابژه خوب، در فیلم حجازی نه خوب جا می‌افتد و نه خوب کار می‌کند؛ چرا که حجازی با ناگه تک‌بعدی‌اش زن را به زاویه و بن‌بست می‌کشاند تا نشان دهد زنانی که در اطراف یک مرد جمع شده‌اند تاجه‌حدمی‌توانند به او آسیب‌زنند؛ کما این‌که دیدن بدن امیر از جانب اتفاق افتاده، هم چنان که بی‌توجهی از جانب هاله اتفاق افتاده باعث گشدمن و آسیب دیدن امیر شده، و مقصر هاله است که با کار کردنش در بیرون، بچه را بیهمسایه می‌سپارد یا به مادرش که زده‌ای نو جوان در خانه دارد با چندین مشکل از جمله متار که والدینش.

«تاق تاریک» یک داستان سر راست و مشخص ندارد. در این اتاق خانواده و حتی جامعه‌ای دیده می‌شود با هزاران مشکل که مدام پشت سر هم ردیف می‌شوند: تجاوز، اختلاف سنی، خیانت ناامنی، کودک‌آزاری، فقر و... و هیچ کدام از این مضامین حتی به موضوع تبدیل نمی‌شوند چه رسد به پیرنگ و نویسنده / کارگردان به هر کدام ناخنکی زده و «فیلم» ساخته شده است.

شخصیتی در ابعاد مختلف عاطفی، اجتماعی، خانوادگی شغلی و یا تحصیلی می‌باشد. در حقیقت فردی که از ضعف در اعتماد به نفس رنج می‌برد، در شرایط معمول زندگی و تعاملات و مراودات اجتماعی نمی‌تواند خود را شخصی موجه نشان دهد بنابر این برای آنکه در نظر دیگران مقبول واقع شود، همواره به ریا و دروغ متوسل می‌شود تا به این طریق بتواند تصویری ایده‌ال که بازویشن خویش در تناقض را به معرض نمایش بگذارد. به‌نوعی افراد متظاهر و ریاکار به دنبال آن هستند تا خود را خادم و خدمتگزار معرفی نمایند، اما افسوس که در باطن خویش هیچ ارزش و حقی برای دیگران قائل نیستند.

در همین راستا روانشناسان معتقدند اگر راهکارهای مناسب برای اصلاح این نوع رفتارها که به یک معضل اجتماعی تبدیل شده، صورت نگیرد و همچنین کنترلر و نظارتی مبنی بر رعایت اصول اخلاقی برقراری عدالت اجتماعی اعمال نشود ممکن است عواقب جبران‌ناپذیری را به بار آورد و دیگر مجالسی برای جبران باقی نماند.

بشری را در طول تاریخ تمدن به خود آلوده ساخته است. روانشناسان براساس تحقیقات و پژوهش‌های آسیب‌شناسی معتقدند دروغ‌گویی و ریاکاری همچون یک بیماری واگیردار روزبه‌روز در حال گسترش است به‌گونه‌ای که افراد تقریباً در اکثر محیط‌های اجتماعی از کوچکترین و ابتدایی‌ترین نهاد که خانواده است تا بزرگترین و بالاترین جایگاه اجتماعی بدون هیچ‌آبایی، از رفتارهای ریاکارانه و متظاهر برای رسیدن به مقاصد خویش بهره می‌برند.

براساس مطالعات آسیب شناسی روانشناسان معتقدند یکی از مهمترین علل شیوع و رواج تزویر و تظاهر و رفتارهای ریاکارانه در جامعه فرار از قانون، ضعف قوانین، بی‌عدالتی‌های اجتماعی فرار از مسئولیت، عدم شایسته‌سالاری بی‌اعتمادی، بی‌تعهدی، پارتی‌بازی، ضعف در پای بندی به مسائل اخلاقی و نژاد پرستی می باشد.

در قلمروی روانشناسی یکی از دلایل اصلی ریا و دروغ‌گویی، عدم اعتماد به نفس، احساس ناامنی و حقارت و همچنین وجود خلاهای